

گفتگوی داریوش فروهر با گزارشگر رادیو بیست و چهار ساعته‌ی صدای ایران از لس آنجلس، علیرضا میبیدی

گزارشگر: ما تقریباً با نظر همه آشنا شدیم، بعد از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری؛ ولی جالب است که هنوز رأی و نظر آقای داریوش فروهر را جویا نشده‌ایم. با ایشان بعد از انتخابات گفتگویی انجام نگرفته و نمی‌دانیم حالا چه فکر می‌کنند و اندیشه‌شان چیست. آقای داریوش فروهر و حزب ملت ایران انتخابات را تحریم کرده بودند. یکی از سؤال‌های ما این است که اگر دوباره آن انتخابات برگزار بشود، آیا شما تحریم را می‌شکستید و در انتخابات شرکت می‌کردید و یا نه و آیا بر سر قول خودتان هستید. صبح شما به خیر آقای فروهر.

داریوش فروهر: شب شما به خیر.

گزارشگر: حال شما خوب است؟

داریوش فروهر: سپاس گزارم.

گزارشگر: خوب، جناب آقای فروهر، خدمتتان عرض کنم که ما در شب‌های اخیر با نظرات دیگر حزب‌ها آشنا شدیم، همین طور با نظر مردم و نظرخواهی داشتیم در مورد نتیجه‌ی انتخابات که ببینیم آیا مردم حالا امیدوارتر از زمان گذشته‌اند یا بدبین‌تر؛ و پرسیدیم اگر آن‌ها در تهران بودند، چه می‌کردند: آیا آراء خود را به صندوق می‌ریختند، آیا در تحریم شرکت می‌کردند. آخرین گفتگوی بنده هم با شما هم قبل از انتخابات بود، چند ساعتی قبل از رأی‌گیری بود.

داریوش فروهر: چند روزی.

گزارشگر: الان هم همه خیلی علاقه‌مندند که با نظر شما آشنا شوند. از من می‌پرسند که آقای داریوش فروهر چی می‌گویند، به‌ویژه بعد از این فرایندی که این انتخابات داشته. چند شب پیش هم، من با احسان نراقی گفتگو می‌کردم. می‌گفت که در تهران با شما گفتگو کرده درباره‌ی همین آقای خاتمی و شما آن موقع زیر بار نرفتید و گفته‌اید نخیر این‌ها همه از یک قماش هستند و فرقی در سرنوشت ما نمی‌کند.

داریوش فروهر: من شاید به خود شما هم در یک گفتگو گفتم که انسان‌ها با هم تفاوت دارند. به این ترتیب، این تعبیر «از یک قماش» را از قول من نفرمایید. اما گفته‌ام که جابه‌جایی مهره‌ها در جمهوری اسلامی، که سامانی واپس‌گرایانه است، کارساز نیست.

گزارشگر: بله، این را قبلاً هم گفته بودید.

داریوش فروهر: یک دگرگونی ریشه‌دار مورد نیاز است؛ و اکنون هم بر همین باورم. درست است که حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی ویژگی‌های خود را دارند و نسبت به دیگران به هیچ وجه آلودگی‌های دیگر سردمداران جمهوری اسلامی تا کنون را نداشته‌اند؛ ولی من بر این باورم که یک دگرگونی ریشه‌دار ضروری است. ایشان به هر حال باید در چهارچوب نظامی واپس‌گرا و با قانون اساسی پرنقصی کار کنند که، به‌نظر من، نه تنها ایشان، بلکه هیچ کس نمی‌تواند در این چهارچوب دگرگونی لازم را در کشور پدید بیاورد.

گزارشگر: یعنی فکر می‌فرمایید که ایشان مرد این میدان نیستند یا شرایط این اجازه را نمی‌دهد؟

داریوش فروهر: شرط‌هایی که در سرزمین ما حاکم هست به هیچ کس اجازه نمی‌دهد. ایشان فکر کرده‌اند که مرد

این میدان هستند و نویدهایی هم به مردم داده‌اند که نتیجه‌اش شرکت بخش بزرگی از مردم، به‌ویژه جوانان و زنها، در دادن رأی شد؛ ولی من گمان ندارم که آن نویدها را بتوانند انجام دهند، به‌ویژه اینکه این نویدها خیلی کلی است. جامعه‌ی مدنی پدید بیآوریم و قانون مدنی بدهیم این یک کلی‌گویی است. باید ایشان روشن می‌کردند و دست‌کم تا هنگامی‌که روی کار بیایند، روشن کنند که چه چیزهایی هست که ایران را از قانون مدنی به دور داشته است. فرض بگیرد در زمینه‌ی آزادی‌های فردی و اجتماعی، این فضای سیاسی بسته، که در آن حزب‌ها نمی‌توانند کار بکنند، نوشتارهای زیر فشار هستند و آزادی گفتار نیست، را به چه شکل می‌خواهند ببرند به سوی یک جامعه‌ی مدنی قانونمند؟ آیا این قانون‌هایی که فرض بگیرید برای حزب‌ها گذاشته‌اند و بر خلاف روح قانون اساسی است و به‌طور کلی دست‌وپای همه‌ی سازمان‌های سیاسی را برچیده، آیا این قانون را لغو می‌کنند؟ آیا به مجلس چنین پیشنهادی می‌کنند؟ آیا در زمینه‌ی ایمنی قضائی در راستای برچیدن این دادگاه‌های انقلاب، که با افسوس اشغالگران کرسی‌های نمایندگی مردم نشست و برخاست کرده‌اند و بین خودشان قرار و مدارهایی گذاشته‌اند و شکل قانونی به آن‌ها دادند، آیا این‌ها را برمی‌چینند؟ آیا این دادگاهی که قانون هم به‌طور کلی ندارد و با فرمان رهبر برگزیده‌ی خبرگان کارش را ادامه می‌دهد، به نام «دادگاه ویژه‌ی روحانیت»، این را بر می‌چینند؟ هم‌اکنون می‌دانید چه اندازه روی مرجع‌های تقلید فشار هست، از راستای همین دادگاه؟ و چه اندازه روحانیون برجسته‌ی ناسازوار با جمهوری اسلامی در زندان هستند؟ حق بود که، در هنگام آوازگویی‌های پیرامون رأی خواستن، نقطه‌نظرها در این زمینه‌ها روشن می‌شد. اما اکنون آن زمان گذشته است، نویدهایی به مردم داده شده که باید دید این نویدها چگونه می‌خواهد اجرا بشود. من البته این روشنی را دارم که از فردی که هنوز ردای رئیس‌جمهوری را بر تن نکرده و هنوز به عنوان رئیس قوه‌ی اجرائیه یک گام برنداشته انتظار نداشته باشم که بر فرض برای فلان زندانی سیاسی یا در راستای آزادی فرج سرکوهی، که وضع ناروشنی دارد و در بیمارستان است و پیدا نیست که با او چه می‌خواهند بکنند، چه گامی برخوانند داشت. اما این انتظار را می‌شد داشت که از هم‌اکنون روشن کنند که با این نهادهای وحشت‌افکن چه می‌خواهند بکنند. کلی گفتن اینکه می‌گویم گرانی را مهار کنم، تورم را روندش را کاهش بدهم و فقرزدایی کنم، این‌ها را که آن «سردار سازندگی» هم می‌گفت. اما باید می‌گفتند از چه راه و چگونه می‌خواهند چنین کنند.

از قرار و مدار اشغال‌کنندگان کرسی‌های نمایندگی مردم چارچوب‌هایی بسیار بسیار دست‌وپاگیر برای هر کسی که بر سر قوه‌ی اجرائیه باشد به وجود آمده به عنوان «قانون». با این قانون‌ها چه می‌خواهند بکنند؟ از این گذشته، با این قانون اساسی، که رهبر برگزیده‌ی خبرگان خودش را همه‌کاره می‌داند و حتی از اختیارهایی که در قانون اساسی به او داده شده نیز پا را فراتر گذارده و خود را سیاست‌گذار اصلی می‌داند، و با پدید آوردن این مجمع تشخیص مصلحت نظام با ترکیب جدیدی که نامش را هم گذاشتند «جایگاه عالی مستشاری رهبری» و سیاست‌گذاری‌های کلی را به او دادند، این رئیس‌جمهور جدید چه می‌خواهد بکند و چه می‌تواند بکند؟ اینکه آقای هاشمی رفسنجانی با این کارنامه‌ی سیاه هشت سال رئیس‌جمهوری رئیس چنین مجمعی است یعنی چه؟ توجه کنید که همه چیز از قبل چیده شده. در گذشته، رئیس این مجمع رئیس‌جمهور بود. به جای اینکه همان وضع باقی بماند، از پیش زمینه را ساختند و یک چهره‌ی سیاسی را، که در این هشت‌ساله هیچ کاری برای مردم نتوانسته است بکند و داستان سازندگی او یک داستانی است که در برابر تبه‌کاری‌ها و غارتگری‌ها رنگ می‌بازد، را سر آن نهاد بگذارند و رئیس‌جمهور زیردست او قرار داشته باشد! من نمی‌دانم که ایشان چه شکلی آن نویدها را دادند؛ و اکنون

هم بر این باورم که در جمهوری اسلامی باید یک دگرگونی ریشه‌دار را خواستار شد و برای برچیده شدن بساط یک‌تازی سردمداران جمهوری اسلامی خواستار برقراری مردمسالاری شد؛ و با این قانون اساسی و کردارهایی که جمع جمهوری اسلامی انجام می‌دهد، هیچ زمینه‌ای در این راستا نمی‌بینم. با این همه، مانند دیگر ایرانیان، می‌ایستم از دوازده مرداد به بعد طلب می‌کنم که این نویدها چه شد و با چه برنامه‌ای می‌خواهید ایران را، به گفته‌ی خودتان، به سوی یک جامعه‌ی مدنی قانونمند ببرید؟

گزارشگر: یک عنصر اضافه‌شده در معادله‌ی سیاسی در ایران، بیست‌میلیون طلبکار. این یک عنصر جدید است و اینکه فرمودید از دوازده مرداد طلب خواهید کرد. بنابراین دیگر شما تنها نیستید و بیست‌میلیون آدمی که احتمالاً به آقای خاتمی رأی دادند هم هستند. می‌خواهم بدانم این تعداد بیست‌میلیون درست است از دید شما، آقای فروهر؟

داریوش فروهر: من راجع به بیست‌میلیون نمی‌توانم نظری بدهم؛ اما راجع به کل رأی‌گیری، من گزارش‌های بسیاری دریافت کردم از دوستانم از تهران و شهرستان‌ها، که حوزه‌ها را زیر نظر داشتند و خیلی چیزها را بررسی کردند، و نتیجه‌اش در گزارش هفتگی ما در یکشنبه‌ی پیش نوشته شده که آن را برایتان می‌خوانم و توضیح می‌دهم.

گزارشگر: خواهش می‌کنم.

داریوش فروهر: گرچه گزارش‌های گوناگون از رأی‌دادن بخش بزرگی از مردم، به‌ویژه زنان و جوانان، حکایت دارد؛ ولی آمار داده‌شده از سوی ستاد انتخابات وزارت کشور برای نگرندگان آزاد جای پرسش دارد. آوردن بیست‌ونهمیلیون وهفتادوشش‌هزار وهفتاد نفر به پای صندوق و رأی گرفتن از آن‌ها، با توجه به شمارهی حوزه‌ها، که گفتند سی‌وسه‌هزارویکصد وهفتاد و هشت بوده، با توجه به چهارده ساعت زمانی که اضافه کردند و گفته‌اند که شلوغ بوده و با توجه به اینکه گفته‌اند هر رأی‌دهنده دست‌کم به میانگین یک دقیقه و نیم زمان باید رأی بدهد، با توجه به اینکه آن روز نماز جمعه هم در میان بوده و به هر حال ساعت‌های تعطیل هم داشته‌اند، این آمار، همچنان که گفته شد، شگفت‌انگیز و شک‌آور است.

گزارشگر: به عنوان نظر شخصی شما تلقی کنیم؟

داریوش فروهر: بله. به این ترتیب، من همچنان بر این باور هستم که بخش بزرگی از مردم، بخش بزرگی از جوانان و به‌ویژه بانوان آمدند به پای صندوق؛ و فرض را بر این می‌گذارم که، به علت ناخشنودی بسیار ژرف از آن جناح واپس‌گرایی که هم‌هی زشت‌کاری‌ها در جمهوری اسلامی از آنجا ناشی می‌شود، واکنشی رأی‌دادند به فردی که گمان می‌داشتند در این زشت‌کاری‌ها سهمی نداشته است؛ و به‌راستی هم در دوره‌ای که وزیر بوده، آن چنان که نویسندگان و هنرمندان می‌گویند، در راه آزادی نوشتار و چاپ کتاب‌ها، جلوگیری از آزار فرهنگیان و هنرمندان گام‌هایی برداشته است. به‌سوی این پناه بردند از دست آن؛ و اما اینکه در اینجا به‌راستی بشود با نویدهای داده‌شده کاری انجام داد، همچنان‌که گفتم، من شک دارم.

گزارشگر: جناب فروهر، اگر آقای محمد خاتمی از شما دعوت به همکاری بکند، قبول می‌کنید؟

داریوش فروهر: خیر. من به کل سامان جمهوری اسلامی و کردارهای هیجده‌ساله‌اش هیچ باوری ندارم. یک زمانی، چرا من به جمهوری اسلامی رأی هم دادم، حزب ملت ایران هم به جمهوری اسلامی رأی داد؛ ولی برداشت آن هنگام با واقعیت‌های این هنگام بسیار بسیار تفاوت داشت. اکنون میان این نظام و مردم، میان سردمداران جمهوری اسلامی و دگراندیشان، یک شکاف بزرگ و می‌توانم بگویم حتی یک دریای خون قرار دارد. من از این

دریای خون نخواهم گذشت، به امید اینکه نویدهایی از سوی کسی داده شده است.

گزارشگر: جناب فروهر، در روز رأی‌گیری گزارشی رسید از - الو! الو! ارتباط قطع شده، که خیلی هم به نظرم مشکوک بود.

شنوندگان ارجمند، با نظر آقای داریوش فروهر آشنا شدید که بعد از انتخابات چی فکر می‌کند. گفتگو می‌کردیم با آقای داریوش فروهر، که خط ارتباط ما قطع شد و به نظرم خیلی مشکوک آمد. ایشان بارها گفته‌اند که تلفنشان به طور بیست و چهار ساعته تحت کنترل است. نه تنها ایشان، با شمار دیگری از شخصیت‌های سیاسی ایران هم که گفتگو می‌کنیم، همین را می‌گفتند. من آثارش را در مکالمه‌ی آقای توفیقی با آقای معین‌فر حس کردم - آثار استراق سمع تلفن را. البته به شخصیت افراد هم بستگی دارد و شدت و ضعف دارد.

گزارشگر: جناب فروهر.

داریوش فروهر: جانم. ارتباط قطع شد که به نظرم خیلی مشکوک آمد!

گزارشگر: شما هم همین را فکر می‌کنید؟

داریوش فروهر: همه چیز در ایران شکبرانگیز است.

گزارشگر: جناب فروهر، روزی که انتخابات برگزار شد، خبرنگاران خارجی در ایران گزارش‌های مستقیم می‌دادند به خارج از کشور و به این نکته اشاره کردند که تصمیم عمومی بر این بوده که در انتخابات شرکت نکنند، اما از چهل و هشت ساعت قبل از رأی‌گیری گویا رأی مردم عوض شده و همه به صندوق‌ها هجوم آوردند تا به آقای ناطق نه بگویند، حتی آن‌هایی که انتخابات را تحریم کرده بودند در آخرین لحظه تصمیم را عوض کردند. خوب، مشخص‌ترین چهره‌ای که در ایران انتخابات را تحریم کرده بود شما بودید و همه این تصور را داشتند که داریوش فروهر به مردم اشاره کرده که بروید و در انتخابات شرکت کنید و یا به حرف هواداران حزب ملت ایران. آیا واقعاً این طور بود؟ شما در آخرین لحظه تصمیمتان را عوض کردید؟

داریوش فروهر: ما به طور بنیادی جمهوری اسلامی را پذیرا نبودیم و در انتخاباتش شرکت نکردیم. ممکن است اعضای حزب ملت ایران مورد پرسش قرار گرفته باشند و از تبه‌کاری‌ها و غارتگری‌های آن جناح واپس‌گرا گفته باشند یا بیان کرده باشند که پیشینه‌ی نادرستی از حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی سراغ ندارند و شنونده برداشت خودش را کرده باشد؛ وگرنه ما همچنان تا آغاز روز رأی‌گیری پافشار بودیم که باید کنارجویی کرد، چراکه ما می‌گفتیم باید به کل رژیم دست زد.

گزارشگر: آقای فروهر، از نظر شما، آیا آقای خاتمی، هر چقدر هم که موجه، اما کاری نمی‌توانند یا نمی‌شود

انجام دهند یا دست‌کم نمی‌توانند به تعهدات خودشان عمل کنند؟

داریوش فروهر: امیدوارم که بتوانند این همه نوید را که داده‌اند در راستایش گامی بردارند. شاید هم به‌راستی بخواهند که بردارند. اما من باور ندارم که هیچ کس بتواند در چهارچوب این نظام و این همه تاروپود واپس‌گرایی، که بر دست‌وپای هر فردی که در قدرت قرار بگیرد کشیده شده، کوچکترین گامی بردارند.

گزارشگر: خوب، قدم بعدی چه می‌تواند باشد؟ بیست میلیون رأی برای یک آدم که این قول‌ها را داده و قول و قرار

گذاشته با مردم و احتمالاً نمی‌تواند آن‌ها را انجام بدهد. قدم بعدی چیست و مردم چه خواهند کرد؟ چه

عکس‌العملی؟

داریوش فروهر: همان‌هایی که آمدند به پای صندوق‌های رأی و از ایشان پشتیبانی کردند این هوشیاری را دارند

که اجرای نویدها را پافشارانه طلب کنند؛ و من فکر می‌کنم هر سازمان سیاسی دگراندیشی هم باید که بخواهد، در راستای پدید آوردن فضای سیاسی باز و در راستای پدید آوردن ایمنی قضائی، نویدهای داده‌شده به انجام برسد. اما به عنوان یک حزب دگراندیش، حزب ملت ایران، من فکر می‌کنم که ما باید بررسی کنیم که چرا نشد پیام خود را درست و درست به مردم برسانیم و آن‌ها را به یک اعتراض روشن با خودداری از شرکت در انتخابات برانگیزیم. در باور من، مردم و به‌ویژه آن نسل‌هایی که تجربه‌ی چندانی نداشتند راه آسان را برگزیدند. راه کنارمجویی و راه رودرویی با جمهوری اسلامی خطرناکی دارد و دراز است. بایستی سودمندی و ارزندگی آن راه را بتوانیم به مردم آگاهی دهیم و آن‌ها را از اینکه ناامید بشوند از اینکه کاری انجام نشد باز داریم و راه درست، که طلب کردن همه‌ی حقوق پای‌مال شده‌ی ملت و دگرگونی ریشه‌دار است، را در جلوی آن‌ها بگذاریم.

گزارشگر: آقای محمد خاتمی از همه طرف زیر فشار است و فرمودید حاضر به همکاری با او نیستید؛ اما آیا حاضر به حمایت از ایشان در مقابل تندروها هستید؟

داریوش فروهر: هر گامی که برداشته شود در راستای آنچه که بیان کردم، اگر ایشان به‌فرض لایحه‌ای به همین مجلس شورای اسلامی، که کاملاً ساختگی است، ببرد، به‌فرض، برای برچیدن دادگاه‌های انقلاب، به‌فرض، برای آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی، بی‌شک مورد پشتیبانی قرار خواهند گرفت. حتی برای یک برنامه‌ی درست اقتصادی - نه بازیگری‌هایی که تا کنون زیر عنوان «برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» پیش کشیده شده و بی‌درون‌مایگی و زیان‌بخش بودن آن روشن شده - برای فقرزدایی، اگر به‌راستی ایشان طرحی داشته باشند و این طرح را درست ببینیم، از آن پشتیبانی خواهیم کرد.

گزارشگر: به عنوان آخرین سؤال، ایرانیان خارج از کشور چه باید بکنند؟

داریوش فروهر: به گمان من، ایرانیان خارج از کشور، با توجه به آماری که از دارندگان حق رأی من دارم، شصت و هفت هزار نفری که گفته‌اند پای صندوق‌ها رفته‌اند - و این شمار گسترده‌ی حاشیه‌های کادر دیپلماتیک ایران و بورسیه‌های آن و کسانی که بسیاری زشت‌کاری‌ها را در بیرون در پرتو پشتیبانی جمهوری اسلامی انجام داده‌اند را در شمار این حساب بیاورید - ایرانیان بیرون از کشور به جمهوری اسلامی نه گفته‌اند. حتی آن‌هایی که در گذشته سستی‌هایی به خرج داده‌اند و فکر کردند که به این سادگی می‌شود جابه‌جایی قدرت کرد امیدوارم که پایدارتر و استوارتر به روشنگری بپردازند. به مردمی که به پای صندوق رأی رفته‌اند احترام بگذارند؛ اما پیوسته به آن‌ها یادآور شوند که راه درست جابه‌جایی مهره‌ها نیست، بلکه دگرگونی ریشه‌دار باید خواست.